

فصل دوم

از لایحه الحاقی تا تصویب اصل ملی شدن نفت

2. انتخابات مجلس شانزدهم، تشکیل جبهه ملی ایران

در چنین جوی انتخابات مجلس شانزدهم به گره تضادها بدل شد. امپریالیست های انگلیسی که به هیچ وجه قصد عقب نشینی نداشتند می خواستند به هر شکلی شده اکثریت قاطع مجلس شانزدهم را به دست داشته باشند تا لایحه الحاقی را به تصویب رسانند. متقابلاً مخالفین قرارداد الحاقی و اصولاً مخالفین دیکتاتوری پس از 15 بهمن می کوشیدند انتخابات مجلس شانزدهم را به پیکار گسترده سیاسی ضد دیکتاتوری بدل کنند و برای خود جایی در مجلس تامین نمایند. امپریالیسم آمریکا بنا به حساب های ویژه خویش از این جناح حمایت می کرد و عمال آن خود را در این صف قرار می دادند.

انتخابات از مردادماه 1328 آغاز شد و تا اردیبهشت ماه 1329 مدت هشت ماه به طول انجامید. انتخابات شهرستان ها دشواری خاصی نداشت. در همان تابستان به سود ارتجاع و شرکت سابق نفت پایان یافت. اما مخالفین رژیم همه نیروی خود را در تهران متمرکز کرده به پایداری برخاستند.

رهبری پایداری را دکتر محمد مصدق برعهده گرفت و زمانی که آزادی انتخابات از طرف دربار به طور کامل پایمال می شد به عنوان اعتراض به جریان انتخابات احزاب سیاسی، علمای اعلام، رجال مبرز، تجار و اصناف را به تحصن در دربار دعوت کرد (22 مهرماه 1328). هژبر وزیر دربار بود و نسبت به متحصنین مجبور به خروج از دربار شده و در نشستی که اول آبان ماه 1328 در منزل دکتر مصدق تشکیل دادند تاسیس جبهه ملی ایران را اعلام کردند. هدف های جبهه ملی تامین آزادی مطبوعات، اصلاح قانون انتخابات و اصلاح قانون حکومت نظامی تعیین شده بود که هر سه شعار مربوط به تامین دموکراسی بود. این جبهه با آن که ملی نامیده می شد در مورد مبارزه با امپریالیسم و مساله حاد نفت برنامه و هدفی اعلام نمی کرد ولی از ترکیب موسسین آن گرایش آشکار به امپریالیسم آمریکا به چشم می خورد¹. جمله هایی که در صفحات پیش از "شاهد" و "باختر امروز" آوردیم درست در آستانه تشکیل جبهه ملی ایران نوشته و منتشر شده و جوی را که در آن زمان در مرکز این سازمان مسلط بوده نشان می دهد. ولی به هر صورت این سازمان در آن زمان همه نیروهای مقاومت را که در صفحات پیش یاد کردیم فرا می گرفت به جز حزب توده ایران. شرکت مستقیم و رسمی حزب در این جبهه مقدر نبود. غیرقانونی شدن حزب این راه را می بست. اما شاید می شد علی رغم جناح خرابکار جبهه ملی نوع همکاری با این جبهه را تامین کرد. ما به این موضوع توجه نکردیم.

جبهه ملی از فرصت انتخابات برای تبلیغ افکار خود و تهییج مردم به خوبی استفاده کرد و با تاکید بر روی تشدید تضاد خلق با امپریالیسم مسلط انگلستان توانست به خصوص بازار

- هیات موسس جبهه ملی 19 نفر بودند که عبارتند از: دکتر محمد مصدق، احمدملکی (مدیر روزنامه ستاره)، دکتر محمدحسن کویانی، دکتر کریم سنجابی، مهندس غلامحسین زیرک زاده، عباس خلیلی (مدیر روزنامه اقدام)، عمیدی نوری (مدیر روزنامه داد)، دکتر سید علی شایگان، شمس الدین امیرعلایی، محمود نریمان، ارسلان خلعت بری، آیت الله غروی، ابوالحسن حایری زاده، حسین ملکی، مظفربقایی، عبدالقدیر آزاد، جلال نایینی (مدیر روزنامه کشور)، دکتر حسین فاطمی، مشارعظم (هنگام کودتای 28 مرداد از این گروه فقط 3 یا 4 نفر با مصدق بودند. بقیه یا کناررفتند و لیا آشکارا علیه جنبش ملی ایران قیام کردند و به دشمن پیوستند).

و پیشه وران و قشرهای متوسط تهران را به حرکت آورد و به پای صندوق های رای بکشاند. اما دولت صندوق ها را عوض کرد که بر اثر آن موجی از اعتراض برخاست. جوانان مذهبی و طلاب علوم دینی نیز در این اعتراض شرکت کردند و سرانجام 13 آبان ماه 1328 عبدالحسین هژیر وزیر دربار به دست سازمان فدائیان اسلام کشته شد و ادامه انتخابات به آن صورت نامقدور گشت. محافل آمریکایی از فرصت استفاده کرده و شاه را تشویق نمودند سرلشکر زاهدی را - که از همان وقت از جاسوسان سرشناس آمریکا بود به ریاست شهربانی تهران برگمارد انتخابات تهران ابطال و تجدید شد. زاهدی به نفع کاندیداهای جبهه ملی از تعویض صندوق ها جلوگیری کرد. چندن از آنان و از جمله مصدق، شایگان، نریمان، بقایی و مکی به مجلس رفتند.

متاسفانه حزب توده ایران انتخابات مجلس شانزدهم را هم مانند انتخابات مجلس پانزدهم تحریم کرد. ما در آن زمان نسبت به استفاده از تریبون مجلس و مخالفت با انتخابات فرمایشی روش چپ روانه ای داشتیم.

روزنامه مردم که انتشار منظم مخفی آن از دهم مهرماه 1328 آغاز شد در سومین شماره اش نوشت:

"تنها به وسیله تحریم انتخابات می توان شدت خشم و اعتراض ملت را نسبت به عوام فریبی های هیات حاکمه ایران نمایش داد."²

"ملت ایران به این صندوق ها امیدوار نیست... مبارزه ملت ما برای درهم شکستن این صندوق ها است. باید بساط انتخابات فرمایشی را برای همیشه برچید."³

نادرستی این نظریات در شرایط آن روز ایران روشن است. از طریق شرکت در انتخابات بهتر می شد مردم را تجهیز کرد و به انتخابات فرمایشی ضربه زد و احتمالاً تریبونی علیه هیات حاکمه و به سود مردم تسخیر نمود و علی رغم نفاق افکنان گامی به سوی اتحاد نیروهای ضدامپریالیستی برداشت. در حالی که تحریم انتخابات فاصله ما را از سایر نیروهای پایداری که در جبهه ملی متشکل می شدند بیشتر کرد.

3. نفت در دوره فترت پس از مجلس پانزدهم

چنان که گفتیم انتخابات مجلس شانزدهم قریب هشت ماه طول کشید و فاصله تعطیل مجلس پانزدهم تا افتتاح مجلس شانزدهم حدود 9 ماه شد. این مدت فرصت مناسبی برای محافل امپریالیستی بود که پشت پرده و دور از چشم مردم مشغول بند و بست باشند.

در این فاصله وضع دولت ساعد بسیار دشوار بود. این دولت که به خدمت شرکت نفت انگلیس کمر بسته بود و احساس می کرد که در مجلس آینده نمی تواند همان لایحه الحاقی را بدون تغییر به تصویب برساند، "مصلحت" امپریالیسم انگلیس را در این می دید که گذشت هایی بکند تا دولت به استناد آن بتواند از لایحه دفاع کند.

از سوی دیگر در این فاصله بی فایده بودن لایحه الحاقی کاملاً به ثبوت رسیده بود به طوری که مقامات حاکم نیز که تا دیروز مدافع قرارداد بودند امروز خود را مغیون احساس می کردند زیرا در عمل با کاهش ارزش لیره سهم ایران از درآمد نفت حتی کم تر از گذشته

² - نامه مردم، دوره چهارم چاپ محقق، شماره دوم، 24 مهرماه 1328.

- نامه مردم دوره چهارم، چاپ محقق شماره 15 آبان ماه 1328. [این جمله ها نشان می دهد که اتهام وارده به حزب ما از طرف گروهک های مانوئیستی در این باره که گویا حزب توده ایران "اپورتونیسیم تاریخی" داشته، "پارلمانتاریست" بوده و غیره تا چه حدی نادرست و وارداتی است. حضرات همان چیزی را که رهبران پکن علیه برخی احزاب اروپایی گفته اند در ایران نیز تکرار می کنند، غافل از این که اصل اتهام حتی درباره آن احزاب اروپایی درست نیست تا چه رسد به کشور ما که در آن اشتباه حزب بیشتر چپ روانه است و نه به اصطلاح پارلمانتاریستی از پیش از ده دوره انتخاباتی پس از سوم شهریور حزب ما فقط در سه دوره انتخابات شرکت کرد.]

می شد. در عین حال رشد آگاهی عمومی مردم بر اثر فعالیت افشاگرانه حزب توده ایران و سایر نیروهای مقاومت سبب شده بود که آنان نسبت به دولت سخت گیر باشند و از حقوق خود دفاع کنند. لازم بود دولت چیزی در صندوق داشته باشد تا بتواند لاف‌فروشان و بخشی از سرمایه داران را راضی نگاه دارد و مردم را به نوعی قانع کند.

به این دلیل بود که شاه اواخر تابستان 1328 ساعد را شخصا⁵ به انگستان فرستاد که با وزیر خارجه و وزیر دارایی انگلیس ملاقات کند⁴ و ترتیبی بدهد که شاید درآمد ایران را کمی افزایش دهند. اما مقامات انگلیسی توجهی به این استعانه‌ها نکردند.

ساعد در یکی از گزارش‌هایش به شاه می نویسد:

"با وزیر خارجه انگلیس دوستانه مذاکره نمودم ... وضع عمومی کشور، خشکسالی و... را تشریح کردم... گفتم امید این بود که از عواید نفت تا درجه ای وضع را اصلاح نمایم. ترتیباتی با شرکت دادیم ولی تنزل نرخ لیره از قیمت واقعی آن کاست... در جواب با لحن دوستانه ای اهمیت ایران را در سیاست انگلیس اظهار کرده و وعده نمود دقیقاً" موضوع را مطالعه کند...

وزیر دارایی را ملاقات کردم... بسیار دوستانه و گرم بود. تمام مسایل را آزادانه حالی کردم... گفتم این موضوع وضعیت دولت را در مقابل مجلس شور را مشکل و حملات مخالفین را شدید تر خواهد کرد.

جواب داد خیلی متاسفم {!!} ولی موضوع از قوه شرکت خارج است⁵...

وزیر دارایی ایران از نماینده شرکت در تهران تمنا کرد که از شرکت خواهش کند بلکه راه گریزی به او بدهند. نماینده شرکت تلگراف زیر را از قول وزیر دارایی ایران به لندن مخابره کرد:

"... از لحاظ تسهیل تصویب این لایحه در مجلس این طور صلاح می داند که محرمانه با شرکت مذاکراتی در لندن بشود و یک امتیازات بیشتری بدون این که معلوم باشد از چه قبیل است داده شود تا تصویب لایحه آسان تر شود⁶."

جواب شرکت برای ابلاغ به دولت ایران چنین است:

"... شرکت حداکثر گذشت را کرده و دیگر موجبی برای گذشت نمی بیند⁷."

وقتی این جواب ها رسید دربار و دولت ساعد تصمیم گرفتند "فعلاً" اقدامی به عمل نیاید تا افتتاح مجلس⁸. "عدم رضایت تصمیم گیرندگان آشکار است."

برخی از هواداران سیاست انگلیس مقاومت آن روز روسای شرکت و مقامات دولتی انگلیس را مورد انتقاد قرار داده و آن را دلیلی بر کوتاه نظری دانسته اند. در این که این مقامات نتوانستند نیروی واقعی خود را به درستی بسنجند تردیدی نیست. اما نباید فراموش کرد که ضعیف ترین نقطه امپریالیسم انگلیس در آن روزها عدم توازن پرداخت های خارجی بود و آنان می کوشیدند به هر وسیله ای شده درآمد نفت ایران را تمام و کمال برای خود حفظ کنند.

در این موقع امپریالیست های آمریکا محیط را از هر نظری برای خود مساعد یافتند. مکی گئی معاون وزیر خارجه آمریکا و از خادمین بنام کمپانی های نفتی آمریکا روز 13 آبان ماه روز مرگ هژیر وارد تهران شد و با شاه ملاقات کرد و چند روز بعد سفر طولانی شاه به آمریکا آغاز شد که تا دوازدهم دی ماه سال 1328 ادامه یافت. در جریان این سفر طولانی

کتاب سیاه، شامل مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت به انضمام اسناد محرمانه از پرونده نفت، گردآورنده حسین مکی، تهران 1330، ص 547

⁵ - همان جا، صفحه 543

⁶ - همان جا، صفحه 547

⁷ - همان جا، صفحه 548.

⁸ - همان جا، صفحه 543

امپریالیست های آمریکایی کوشیدند تا شاه را به سوی خود جلب کنند. آنان در ظاهر خود را هوادار جبهه ملی نشان می دادند ولی در واقع امر حساب می کردند که تکیه گاه اصلی آن ها باید دربار سلطنتی باشد و جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران - حتی زیر رهبری جبهه ملی ایران هم باشد - رشد نکند.

درباره سفرشاه به آمریکا و آغاز دخالت فعال آمریکا در مساله نفت تنها سازمانی که عکس العمل نشان داد حزب توده ایران بود. در آن زمان نخستین شبنامه های حزب برای افشای شاه و امپریالیسم آمریکا به مقیاس وسیع پخش شد که خبر از آغاز فعالیت گسترده و سازمان یافته پنهانی می داد. جبهه ملی سفر شاه و آغاز دخالت آمریکا را به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد.